

# مصداق‌های

محمدعلی عادل‌ی مقدم  
دانشگاه شهیدرجایی

احساس لطافت و آرامش کند. در این مقاله، ضمن معرفی گونه‌هایی از مصداق‌های زیبایی در نگاه آیات و روایات، به رابطه زیبایی مادی (محسوس) و غیرمادی (معنوی) به صورت گذرا پرداخته شده است تا هم میزان توجه معارف اسلامی به زیبایی معلوم شود و هم الگویی برای زیباطلبان عرصه هنر ارائه شود، تا با الهام گرفتن از آن‌ها، با دیدی توحیدی به خلق آثار هنری بپردازند.

## الف) زیبایی‌های مادی (محسوسات)

۱. زیبایی انسان‌ها  
در فرهنگ زیباشناسی قرآن، علاوه بر زیبایی روحی انسان که خلیفه الهی است، به زیبایی جسمی و اندامی انسان‌ها هم توجه شده است. در معارف قرآنی، به زیبایی زن‌های دنیوی و زن‌های بهشتی

عیشق، زیباشناسی، فرهنگ، بهشتیان، مصداق‌ها.

## مقدمه

در آموزه‌های دینی، روح نفخه ذات الهی است، خود را وابسته به او می‌داند و با هر موجودی که نشانی از او داشته باشد، انس و آرامش می‌گیرد، بهترین نشان الهی، صفت جمال است که ان الله جمیل. در منظر معارف اسلامی، علاوه بر این که جهان تجلی زیبایی خداوند است، بلکه مصداق‌هایی بارز از زیبایی در صورت ماده و معنی معرفی شده‌اند تا روح خداجو و زیبا آشنا، نه تنها احساس غربت نکنند و راه وصول به اصل خود را فراموش ننمایند، بلکه در عالم کدر و خشن ماده

## چکیده

روح که نفخه خداوند جمیل است، زیبا و زیباطلب است، با زیبایی آشنایی دیرینه دارد و آن را راه رسیدن به اصل و وطن حقیقی خود می‌داند و با ارتباط با زیبایی واقعی، نه تنها آرام می‌گیرد، بلکه پیوند ناگسستنی خود را با خالق زیبا برقرار می‌کند. در این مقاله سعی بر آن است، با سیری در آیات و روایات، مصداق‌های زیبایی، اعم از مادی و معنوی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر بررسی شود. واژه‌های کلیدی: زیبایی، قرآن،

# در نگاه قرآن و روایات زیبایی

خود می‌کنند و به هنرمندان، درص  
هنرنمایی و زیباآفرینی می‌دهند:  
«افلّم بنظروا الی السماء فوفهم کیف  
بنیناها و زینتها» (ق، ۶): آیا به  
آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که  
چگونه آن را ساختیم و به زیبایی  
آراستیم؟

«انا زیننا السماء الدنيا بزینة  
الکواکب» (صافات، ۶): ما آسمان  
دنیا را زیبا نمودیم و با ستاره‌ها تزئین  
کردیم. این آیات به این نکته جالب  
اشاره می‌کنند که خداوند در ذات  
انسان غریزه زیباجویی و زیباییایی قرار  
داده و بهترین اثرهای هنری و زیبایی  
را به عنوان نسخه شبیه به اصل  
به وجود آورده است. آن‌گاه به این  
غریزه خفته هشدار می‌دهد که بنگرد  
و ضمن الگوگیری، به عظمت و  
خلاقیت هنرمندانه او پی ببرد.

۳. نگاه قرآن به زیبایی جانداران  
در اندیشه زیباشناسی قرآن،  
حیوانات از مظاهر زیبایی در خلقت  
هستند که به زیبایی آن‌ها اشاره شده  
است: «ولکم فیہا جمال حسین  
تریحون و حین تسرحون» (نحل، ۶):  
برای شماست در آن زیبایی،  
هنگامی که صبحگاهان جانداران را  
به چرامی برید و در شامگاهان آن‌ها  
را به جایگاه‌های خود برمی‌گردانید.  
علامه جعفری می‌فرماید: نکته  
بسیار قابل توجهی که در تذکر به این  
زیبایی وجود دارد، این است که

مشترک (ازدواج) و پیوستگی را که  
نهایت اشتیاق و باهم بودن است،  
برمی‌انگیزد. یعنی سهم زیادی از این  
تمایل مرهون زیبایی است.

در مورد زیبایی مردها در قرآن،  
سوره یوسف که به عنوان  
احسن القصص توصیف شده،  
جریان بریدن زن‌ها دست خودشان را  
در مقابل مشاهده زیبایی حضرت  
یوسف، فرموده است: «فلما رایته  
اکبرنه و قطعن ایدیهن و قلن حاش  
اللّه ما هذا بشر» (یوسف، ۳۲):  
چون آن زن‌ها یوسف را دیدند، او را  
فوق العاده بزرگ (زیبا) دانستند و  
دست‌های خود را بریدند (بدون  
توجه) و با تعجب گفتند: پاک است  
خدا، این [یوسف] بشر نیست!

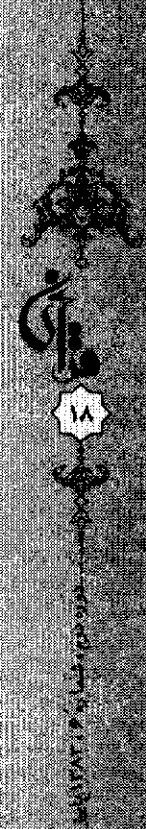
در حدیثی فرمود: «ان الله خلق  
آدم علی صورته» (رازی، ۶۵۰):  
خداوند آدم را به صورت خود آفرید.  
به هر حال، انسان چه زن و چه مرد،  
یکی از مظاهر و مصداق‌های زیبایی  
معرفی شده است.

۲. نگاه قرآن به زیبایی آسمان  
یکی دیگر از مصداق‌های زیبایی  
در قرآن، آسمان‌ها هستند که با مناظر  
زیبا و پرجاذبه نیلگون و پر از ستاره  
خود، چشم هر زیباطلبی را مجذوب

(حوریان) اشاره شده است. مثلاً در  
مورد نهی طلاق و ازدواج مجدد  
فرموده است: «ولو اعجبک  
حسنهن» (احزاب، ۵۱): گرچه  
زیبایی زن‌ها موجب تعجب و  
خوشایند تو باشد. در این آیه، به  
زیبایی بعضی از زن‌ها در حد  
تعجب‌انگیز اشاره شده است. در آیه  
دیگر، در مورد زنان بهشتی  
می‌فرماید: «فیهن خیرات حسان»  
(الرحمن، ۷۱): در بهشت زنان زیبا  
که وجود آن‌ها خیر است، وجود  
دارند. «و حور عین کأمثال اللؤلؤ  
المکنون». (واقعیه، ۲۳): حوران  
چشم درشت و سیاه چشم (زیبا)  
چون مروارید. و آیات دیگری از این  
نمونه که در قرآن وجود دارند.

در فرهنگ قرآنی، علاوه بر این  
که زن به عنوان یکی از جلوه‌های  
زیبایی خلقت و حوری بهشتی معرفی  
شده، به جنبه‌های احساسی و  
عشق‌آفرینی او نیز توجه شده است.  
در حقیقت این نظریه مکتب جمال را  
تأیید می‌کند که: عشق زاییده زیبایی  
است و این زیبایی شوق به زندگی





از منظر زیباشناسی قرآن، زیبایی های هستی چه طبیعی باشند و چه مصنوعات دست بشر، به خداوند نسبت داده شده اند. چون آثار زیبای بشری برخواستہ از روح زیباطلبی است که در انسان نهاده شده است که آن بعد الهی است

تا بیان کند رنگ آن گاو را؟ گفت آن گاو ی است زرد خالص که رنگش مسرور می سازد بینندگان را. «کانه جمالت صفر» (مرسلات، ۳۴): به رنگ شتران زرد.

رنگ زرد نشاط آور است و چشمگیر، و رنگ سبز آرامش دهنده ترین رنگ ها و علامت زندگی، رویش، صلح و جاودانی است. در قرآن به رنگ سبز توجه بیش تری شده و این رنگ از زیبایی ها و رنگ های لباس بهشتیان معرفی شده است.

«و یلبسون ثيابا خضرا من سندس» (کهف، ۳۰): می پوشاند جامه های سبز از دیبای نازک. «عالیهم ثياب سندس خضر واستبرق» (دهر، ۲۱): بر اندام بهشتیان لباس هایی است از حریر نازک سبز رنگ و از دینای ضخیم. از رنگ سبز به عنوان یک رنگ زیبا و دلنشین زیاد سخن به میان آمده است؛ حتی تکیه گاه ها بهشتیان با رنگ سبز معرفی شده است. «متکئین علی رفر ف خضر و عبقری حسان» (الرحمن، ۷۶) تکیه می کنند بر بالش های سبز و بساط قیمتی زیبا. و در روایات، به استفاده از رنگ سیاه و مشکی برای رنگ کردن موها، تأکید شده است؛ برای جوان و زیبا نشان دادن انسان.

بهجت انگیز و سرور انگیز و زیبا می رویاند.

#### ۵. نگاه قرآن به زیبایی رنگ ها

زیبا آفرینی رنگ ها از دیگر نموده های زیبایی در فرهنگ زیباشناسی قرآن است. زیبایی رنگ ها چه به صورت فرد و چه به صورت ترکیب مورد توجه است.

«الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلف الوانها و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف الوانها و غرایب سود» (فاطر، ۲۷): آیا ندیدی که خداوند فرستاد از آسمان آب را، پس بیرون آوردیم از آن میوه هایی با رنگ های مختلف و زیبا و از کوه ها نیز جاده هایی آفریده شد، سفید و سرخ و رنگ های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه. این نقاش چیره دست با یک قلم و یک مرکب (آب) انواع نقش ها را ابداع کرده است که بینندگان را مجذوب و شیفته خود می کند! در مورد رنگ زرد می فرماید: «قالو ادع لنا ربک یبین لنا مالونها، قال انه یقول انها بقره صفراء فاقع لونها تسر الناظرین» (بقره، ۶۵): گفتند، بخواه از پروردگارت

زیبایی در حال در نوع حرکت که جانداران به طور انفرادی یا دسته جمعی از خود نشان می دهند، محصول کیفیت حرکت آن ها می باشد، حرکت صبحگاهی که به مراتب و دشت های سرسبز می روند و حال پریندگی در ادامه حیات خود را بروز می دهند. و حرکت شامگاهی که برای استراحت و آرامش و دیدار و انس که با آشیانه ها و بچه های خود انجام می دهند (جمفری، ۱۲۵).

#### ۴. نگاه قرآن به زیبایی طبیعت

زیبایی های طبیعت مصداق های زیبایی در منطق زیبانگری قرآن است که به مناظر زیبا و دلنواز آن اشاره کرده است: «و انزل لکم من السماء ماء فاتبتا به حدائق ذات بهجة» (نمل، ۶۰): برای شما از آسمان آبی فرستادیم و به وسیله آن باغ های زیبا و سرور انگیز و بهجت آور رویاندیم. «آبتت من کل زوج بهیج» (حج/ ۶۲): از هر جفتی نباتات و درختان

## ۶. نگاه قرآن به مصنوعات هنری و زیبایی بشر

از منظر زیباشناسی قرآن، زیبایی‌های هستی چه طبیعی باشند و چه مصنوعات دست بشر، به خداوند نسبت داده شده‌اند. چون آثار زیبایی بشری برخواسته از روح زیباطلبی است که در انسان نهاده شده است که آن بعد الهی است. پس تمام زیبایی‌ها و مظاهر آن، مورد تأیید و تشویق قرآن هستند. این که آثار هنری و زیبایی در مسیر انحراف باشند، به حقیقت زیبایی ارتباطی ندارد. بلکه یک نوع سوءاستفاده از هنر و زیبایی است که خیانت است و مورد مذمت و نهي قرآن است.

قرآن می‌فرماید: ما امکانات را در اختیار قرار دادیم تا شما مصنوعات زیبا را استخراج کنید.

«و هو الذی سخر البحر لتاکلوا منه لحما طریا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها» (نحل، ۱۴): خداوند تسخیر کرد دریا را تا بخورید از آن گوشتی تازه و تهیه کنید لباس‌ها و پوشاندنی‌های زیبا.

در مورد شکل صورت‌های ساخته شده در زمان حضرت سلیمان می‌فرماید: «یعلمون لو ما یشاء من محاریب و تماثیل و جفان کالجواب و قدور راسیات» (سباء، ۱۴): اجنه برای سلیمان (ع) آنچه که از محراب‌ها تمثال‌ها و کاسه‌هایی مانند حوضه‌ها و دیگ‌هایی بزرگ و ثابت می‌خواست، می‌ساختند. منظور از محراب‌ها به گفته طبرسی:

جایگاه‌های عبادت بوده است و گفته شده است که قصرها و مساجدی بوده که مردم در آن‌ها عبادت می‌کردند (طوسی، ۳۲۸/۸).

ابن عباس می‌گوید: اجنه برای سلیمان (ع) صورت‌های پیامبران و پارسایان را در مساجد تصویر نمودند تا مردم به آن‌ها تماشا کنند و به عبادت خداوند تشویق شوند (همان). پس می‌توان گفت، آیه تأییدی است بر آثار هنری ساخت دست بشر که برای تشویق و رسیدن به جمال مطلق الهی باشد.

«تتخذون من سهولها قصورا» (اعراف، ۷۴): شما در زمین‌ها قصرها می‌سازید. «و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه او متاع زبد مثله» (رعد، ۱۷): و از آن فلزاتی که در آتش برای زینت آلات یا کالا ذوب می‌کنید. در این آیات، به آثار هنری زیبایی بشری، از قبیل قصرها و زیورآلات و نقاشی‌ها و صورت‌ها اشاره شده است؛ گرچه در تصویر صورت‌های دارای روح، باید به فتوای مراجع عظام توجه کرد که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است.

### ب) زیبایی‌های معنوی

زیبایی‌های معنوی و معقول، به دلیل سنجیت و نزدیکی با روح

انسان، از عالی‌ترین درجات پرجاذبه زیبایی مورد تأکید و تشویق دین هستند و در قرآن به آن‌ها توجه خاصی شده است؛ به مراتب بیش‌تر از زیبایی مادی. لذت از زیبایی معنوی، برای انسان‌های صاحب کمال که از درک عقلانی و ایمانی بیش‌تری برخوردارند، قابل وصف نیست و انسان‌های در راه مانده، از درک آن‌ها عاجزند. در ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۱. صبر و استقامت

«فاصبر صبرا جمیلا» (معرج، ۵): شکیبایی نما، شکیبایی زیبا. علامه جعفری می‌فرماید: چه بزرگ و زیباست آن روح که در برابر حوادث و انگیزه‌های بی‌اساس و غیرمنطقی خود را نمی‌بازد و تلخی صبر و بردباری، قیافه او را که مانند پرده‌ای روی روحش کشیده است، درهم و برهم نکند و تبسم با عظمت او را مبدل به گرفتگی عبوسانه ننماید. تبسم در هنگام شکیبایی، گشادگی روانی در مقابل عوامل و انگیزه‌های کوبنده، همان زیبایی معقول است که



یوسف و زلیخا هر دو طالب جمالند، اما یوسف طالب جمال عقلی است و زلیخا خواستار جمال حس



## چه بزرگ و زیباست آن روح که در برابر حوادث و انگیزه‌های بی‌اساس و غیرمنطقی خود را نمی‌بازد

### ۴. نیت زیبا

اندیشه و نیت زیبا در اعمال و رفتار نسبت به خدا و هستی یکی دیگر از زیبایی‌های معنوی است. نیت زیبا حاکی از دید مثبت و زیباگرانه نسبت به جهان اطراف انسان است.

امام علی (ع): «حسن النیه جمال السرائر» (غرر و درر، ۱/۳۸۲) نیت خوب، زیبایی سیرت هاست.

### ۵. زیبایی عفو و اغماض

ذوق و شهود و احساس زیبایی جویی آدمی نمی‌تواند صحنه زیبای چشم‌پوشی از انتقام را ترسیم کند. آیا زیباتر از صحنه عفو و گذشت گذشت سراغ دارید. عفو و گذشت از انتقامجویی، چنان زیبا است که اگر حیات انسانی را نیاراید، او طعم هیچ‌گونه زیبایی برونی را نخواهد چشید. امام علی (ع) می‌فرماید: «احسن افعال المقتدر العفو» (غررالحکم): از زیباترین افعال قدرتمند، عفو و گذشت است. خداوند می‌فرماید: «فاصفح الصّحح الجمیل» (حجر، ۸۵): «با عفو و بخشش که زیباست از لغزش‌های مردم در گذر.»

### ۶. زیبایی جدایی از ناپسندی‌ها

جدایی و مفارقت‌های هدایت‌گونه از منحرفان و تبهکاران و صحنه‌ها و مکان‌هایی که با روح الهی انسان سازگاری ندارند، جلوه‌هایی از زیبایی‌های استقلال و اصالت روح زیباطلب انسان هستند

موجب سعادت و خیر و وصول به حقیقت و جذب زیبایی‌ها می‌شود. عقل اولین نعمتی است که خداوند خلق کرد. قال ابو عبد الله (ع): «ان الله خلق العقل وهو اول خلق» (کلینی، ۱/۲۳): خداوند عقل را خلق کرد و آن اولین مخلوق است. در همین حدیث، امام برای عقل ۷۵ لشکر (خصلت) شمرده است که هر کدام به تنهایی یک زیبایی معنوی هستند. در حدیثی دیگر، امام صادق (ع) فرمود: «العقل الذی جعله الله زینة لخلق» (همان، ۳۳): خداوند عقل را زینت خلقش قرار داد.

### ۳. زیبایی علم

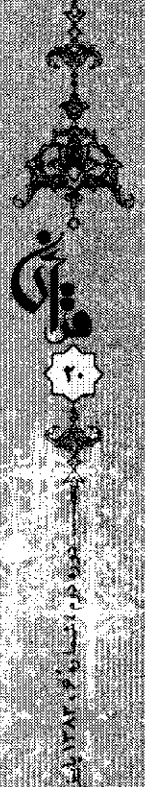
در نگاه زیباشناسی دین، یکی از مظاهر و نمود زیبایی علم است. امام علی (ع) می‌فرماید: «العلم جمال» (غررالحکم، ۵۴): دانش زیور و زیبایی انسان است.

شاهکارهای شگفت‌انگیز رفتاری و صنعتی و هنر آفرینی‌ها، از برکت وجود علم هستند و علم حیات بخش است. علم لباس زیبایی است که بر اندام انسان پوشیده می‌شود و اعمال او را زیبا می‌گرداند و انتخابی زیباگرانه دارد.

هیچ تماشاگری را هر اندازه هم که تماشایش طولانی بوده باشد، سیر نمی‌کند. حالت تحمل و بردباری در راه هدف‌های والای زندگی، در برابر ناگواری‌ها و ناملایمات، هیچ‌گونه نمود نقاشی و ترسیمی و مناظر طبیعی ندارد، ولی از آن زیبایی برخوردار است که هرگونه زیبایی را معنی و محتوا می‌بخشد (جعفری، ۱۲۷).

### ۲. زیبایی عقل

عقل یکی دیگر از مصداق‌های زیبایی معنوی است که صاحب آن از جمال و زیبایی معقول برخوردار است. امام حسن عسکری (ع) فرمود: «احسن الصورة جمال ظاهر و حسن العقل جمال باطن» (مجلسی، ۱/۲۳): زیبایی صورت جمال ظاهری است و زیبایی عقل جمال باطنی. «لا جمال ازیمن من العقل» (همان، ۸۴): هیچ جمالی زیباتر از عقل نیست. فهم و بینش کامل، از موهبت‌های زیبای الهی است که



که با این هجرت و جدایی، خود به دنبال اصلاح و ایجاد تغییر در طرف مقابل و کشاندن او به زیبایی هاست. «و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجر اجمیلا» (مزمّل، ۱۰): به آنچه می‌گویند بردبار باش و از آنان دوری‌گزین؛ دوری و جدایی زیبا.

علامه جعفری می‌فرماید: روح چنین شخصی از نوعی زیبایی عالی برخوردار است که خود بیش از همه از آن زیبایی لذت می‌برد این آرمان معقول نشان‌دهنده آن کمال زیباست که با وجود آمدن یک نفرت و انزجار، روح خود را مبدل به خزان نمی‌کند که هم طراوت و سرسبزی و شاخصارهای روح خود را از بین ببرد و هم روح آن کس را که از او جدا شده است (جعفری، ۱۲۸).

توجه به جمال مطلق و لذت بردن از آن، هدف و نهایت عشق ورزی است. شاید برای همه انسان‌ها، رسیدن به این هدف، بدون مقدمه و واسطه ممکن نباشد، ولی می‌شود از مقدمات و مراتب نازل زیبایی شروع کرد و با استمداد از حس کمال طلبی، به مراتب عالی زیبایی یعنی به کمال مطلق رسید. بوعلی سینا رابطه این دورا بدین صورت بیان کرده است: «اللّه هو جمال السرمدی و فی طبیعه الجمال تکنون الرغبه فی الحب» (مشکوه، فصل ۵/۱۰): خداوند جمال دائم و نهایی است و در طبیعت زیبایی نهفته است که موجب رغبت و محبت به خداوند می‌شود. بنابراین جمال مادی وسیله عروج

است نه هدف. سیر و سلوک جمالی، مراحل دارد که بایستی پله پله طی شوند. یکی از اصول مکتب جمال این است که زیبایی‌های مادی و زمینی و مجازی، نه تنها سزاوار عشق ورزی هستند، بلکه اگر کسی از این پل‌ها عبور نکند، به مقصد حقیقی نخواهد رسید. یعنی زیبایی مراتبی دارد. عده‌ای در زیبایی‌های مقدماتی و محدود و ناقص توقف می‌کنند و عده‌ای دیگر از آن‌ها می‌گذرند و به هدف‌های عالی زیبایی‌های معنوی می‌رسند؛ جایی که چهره و جمال الهی را مشاهده می‌کنند. در قرآن شریف، عشق ورزی به زیبایی‌های دنیوی به عنوان وسیله، به رسمیت شناخته و تأیید شده است. یک نمونه از این عشق ورزی مجازی و پسندیده بین زن و مرد است و در فرهنگ قرآن، قصه «آدم و حوا» و «یوسف و زلیخا» و «سلیمان و بلقیس» و عشق ورزی به انسان‌های دیگر، مثل عشق «یعقوب به یوسف» یا عشق «حوریهان به مؤمنان» مطرح شده است. این عشق‌های محسوس و مادی، نهایتاً به عشق معنوی و به مرحله عشق الهی صعود می‌کنند.

از منظر قرآن، تمام زیبایی‌هایی که در نمایشگاه طبیعت وجود دارند و زیبایی‌هایی که محصول فکر و ذوق انسانی هستند، اگر فاسد نباشند، مثل زیبایی‌های معنوی به خداوند نسبت داده و به یک نقطه ختم می‌شوند. تمام این جلوه‌های زیبایی، در اطراف یک مرکز و اصل می‌چرخند. یوسف و

زلیخا هر دو طالب جمالند، اما یوسف طالب جمال عقلی است و زلیخا خواستار جمال حسی. نه یوسف به بیراهه می‌رود و نه زلیخا، که هر کسی طالب یار است، چه هشیار و چه مست. ولی زلیخا در آغاز راه فقط همان جمال صوری را می‌بیند و یوسف در پایان راه، در حسن صورت قبول می‌نگرد. چون آن‌گاه چشم زلیخا بر مشاهده جمال ازلی گشوده شده است (ستاری، ۱۷۱).

کلام و قلمی را که در جست‌وجو و تشنه زیبایی است، با کلام امامی که زینت بخش عابدان است، به پایان می‌رسانم:

ولا تحجب مشتاقیک عن النظر  
الی جمیل رویتک  
خدایا! انسان‌های مشتاق را از نظر به دیدار زیبایت محجوب و پوشیده مفرما.

آمین

#### منابع

۱. ایزد گشسب، اسرار العشق
۲. محمدتقی جعفری، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام
۳. رازی، مرصاد العباد
۴. غررالحکم
۵. غرر و درر
۶. جلال ستاری، در عشق زلیخا
۷. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، انتشارات علمیة اسلامیة
۸. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، لبنان، بیروت، مؤسسه الوفاء
۹. میدی، کشف الاسرار
۱۰. مشکوة، رساله عشق
۱۱. طوسی، مجمع البیان
۱۲. مناجات سوم از مناجات خمس عشر امام سجاده(ع)

